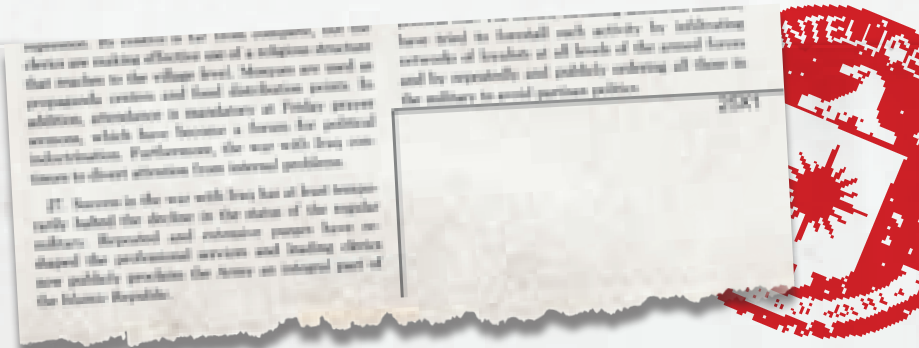

است.» که در آن با تبلیغ مسائل جنگ، توجه از مشکلات داخلی منحرف شده است.

بیست‌وهفتم؛ در این بند اشاره شده که پیروزی نظامی ایران، جایگاه در حال ضعیف‌شدن نیروهای نظامی را به صورت موقت متوقف کرده است. آمریکایی‌ها نوشته‌اند که پاکسازی‌های شدید و تکرارشونده در ایران نیروهای تخصصی را تغییر داده است و حالا رهبران روحانی، ارتش را عضو جدایی‌ناپذیر جمهوری اسلامی معرفی می‌کنند. در ادامه‌ی این بند حدود بیست خط حذف شده است.

بیست‌وهشتم؛ بعد از عبور از بخش‌های پاک شده به بند ۲۸ می‌رسیم که درباره‌ی موضوع نظامیان است که در این بحث‌ها اغلب موضوع ارتش مورد نظر است. احتمالاً بخش پاک شده نیز با همین موضوع مرتبط باشد. این بند با این توضیح آغاز شده که در ایران هنوز نسبت به وفاداری نظامیان سوءظن وجود دارد؛ «با این حال وفاداری ارتش حرفه‌ای همچنان مورد تردید است و بسیاری در رژیم، خواستار هوشیاری [بیشتر] هستند. بعد از آن‌که جنگ تمام شود، بحث‌ها درباره‌ی ساختار و اندازه و حتی نیاز به یک ارتش عادی، احتمالاً دوباره بالا بگیرد؛ خصوصاً وقتی که برخی از رهبران، بخواهند ارتش را تحت کنترل خود درآورند یا چنانچه برخی از سران ارتش تلاش کنند نقشی سیاسی بر عهده بگیرند. روحانیون، شامل خود آیت‌الله خمینی، تلاش کردند جلوی چنین فعالیت‌هایی را با تزریق شبکه‌ای از وفاداران در تمام سطوح و دستور عمومی به تمام نظامیان برای پرهیز از فعالیت حزبی، بگیرند.»

بیست‌ونهم؛ پس از جملات بالا در بند بیست‌وهشتم حدود ۴۰ خط از سند پاک شده و کل بند ۲۹ که نمی‌دانیم با چه موضوعی بوده حذف شده است.

سی‌ام؛ در این بند اشاره شده که آیت‌الله خمینی به احتمال فراوان نیروهای زیادی از نظامیان را پس از پایان درگیری‌ها با عراق در مرز غربی حفظ خواهد کرد. همچنین اشاره شده که حکومت ایران از نیروهای مردمی که در جنگ حضور پیدا کرده‌اند برای بازسازی مناطق جنگ‌زده و پروژه‌های توسعه‌ای استفاده خواهد کرد. و همچنین نیروهایی در کردستان نگه خواهد داشت، جایی که تهران برای کنترل اقلیت‌های مخالف مشکل دارد.

در بخشی از سند کارشناسان نقشه‌ی ایران و همسایگانش را ترسیم کرده بودند و درصد جمعیت شیعه را در کشورهای مختلف به تصویر کشیدند.

موانعی بر سر راه ایران

سی‌وپنجم؛ این بند آخرین بندی است که به بررسی وضعیت ایران پرداخته است و در آن به جذابیت انقلاب اسلامی برای بسیاری از مسلمانان اشاره شده است اما به موانعی هم که پیش روی جذب مسلمانان به انقلاب اسلامی ایران وجود دارد پرداخته‌اند؛ از جمله عرب و سنی بودن اکثر مردم کشورهای خلیج فارس که می‌تواند «مانعی طبیعی برای گسترش انقلاب شیعی ایران باشد.» در ادامه آمده است: «با این حال، ایرانی‌ها احتمالاً معتقدند که می‌توانند از همان نارضایتی‌های مردمی از فساد و رواج فرهنگ سکولار غربی در خلیج [فارس] که منجر به سقوط شاه شدند، استفاده کنند.»

نگاه تسلیحاتی ایران

سی‌ودوم؛ در این بند و بندهای بعدی تا بند ۳۵، در ادامه‌ی بخشی که مربوط به وضعیت ایران است، به موضوع نگاه‌های منطقه‌ای ایران پرداخته‌اند. اشاره شده که رژیم آیت‌الله خمینی خود را رهبر مستضعفین آسیب‌دیده از امپریالیسم، مخصوصاً امپریالیسم آمریکا می‌داند؛ «خصومت ایران با ایالات متحده بیش از هر چیز بر منافع ایالات متحده در خلیج فارس تأثیر می‌گذارد؛ جایی که پیروزی قاطع ایران بر عراق رژیم [آیت‌الله] خمینی را به قدرت غالب در آن تبدیل خواهد کرد. این موضوع، همراه با تعصب دینی روحانیون و بلندپروازی‌های سنتی ایرانیان، رژیم را به تلاش برای سلطه‌ی منطقه‌ای برمی‌انگیزد. از نگاه روحانیون، انقلاب فقط از آن ایران شیعی نیست و به همه‌ی مسلمانان «مستضعف» تعلق دارد.»

سی‌وسوم؛ «ایران می‌کوشد دیگر رژیم‌های عرب خلیج [فارس] را از همکاری با ایالات متحده دور کند.» و آن‌ها را با خودش همراه کند. در این‌جا اشاره شده که ایران از این کشورها خواسته که به حمایت از عراق پایان دهند چون رابطه با ایران آینده‌شان را تأمین خواهد کرد. در این بند اشاره شده که ایران برای رسیدن به هدف‌هایش از این روش‌ها استفاده خواهد کرد؛ «خرابکاری، تهدید، دیپلماسی، و احتمالاً اقدام نظامی. با توجه به جمعیت، منابع و جاه‌طلبی‌های تاریخی ایران، می‌شود انتظار داشت که این کشور، پس از جنگ، توجهش را به شکلی فزاینده بر خلیج [فارس] متمرکز کند تا بر این منطقه سیطره یابد.»

سی‌وچهارم؛ نوشته بودند که مشخص نیست مشکلات داخلی ایران چقدر اقداماتش در منطقه‌ی خلیج فارس را محدود خواهند کرد؛ «اما احتمالاً روحانیون ایران نمی‌توانند در برابر وسوسه‌ی پرچمداری آرمان انقلاب در خلیج [فارس] -چه از سر اعتقاد و چه به اقتضای مسائل سیاسی- مقاومت کنند. تهران برای تحقق اهدافش احتمالاً به دیپلماسی متعارف (توأم با تهدیدهای در لفافه) و خرابکاری متکی خواهد بود، نه به قدرت نظامی. ایرانی‌ها پیش از این هم -در دسامبر گذشته و با بهره‌گیری از مخالفان شیعی- برای براندازی دولت بحرین تلاش کرده‌اند. آن‌ها به آموزش، تسلیح و تأمین مالی دیگر انقلابی‌های همدل با ایدئولوژی بنیادگرایانه‌ی ایران در خلیج [فارس] ادامه خواهند داد.»